



استاد دکتر غلامحسین صدیقی و جامعه شناسی در ایران

سخنران: عبداللهی، محمد

علوم اجتماعی :: علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی) :: پاییز و زمستان 1370 -

شماره 1 و 2

از 11 تا 30

آدرس ثابت : <http://www.noormags.com/view/fa/articlepage/257064>

دانلود شده توسط : Hossein Imani Jajarmi

تاریخ دانلود : 1393/03/25 20:07:20

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

«استاد دکتر غلامحسین صدیقی و جامعه‌شناسی در ایران» *

دکتر محمد عبداللہی *

جامعه‌شناسی در ایران با نام استاد دکتر صدیقی مرادف است. آنطوریکه در غرب مثلاً در فرانسه، با نام آگوست کنت واضح اصطلاح سوسیولوژی^(۱) و امیل دورکیم^(۲) بانی آن همراه بوده است، دکتر صدیقی، هم واضح اصطلاح جامعه‌شناسی و هم بنیانگذار این رشته علمی در ایران بوده است. خاستگاه جامعه‌شناسی در یک کشور سرمایه‌داری صنعتی غربی مانند فرانسه و نقش صاحب‌نظرانی چون دورکیم در بنیانگذاری آن با خاستگاه جامعه‌شناسی در یک کشور غیر صنعتی و به اصطلاح جهان سومی مانند ایران و نقش کسانی چون دکتر صدیقی در معرفی و پی‌ریزی آن به عنوان یک رشته علمی دانشگاهی بسیار متفاوت بوده است. بدون توجه به

-
- ✽ این مقاله متن سخنرانی آقای دکتر عبداللہی در مراسم بزرگداشت چهلمین روز درگذشت استاد صدیقی در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی (شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۷۰) است.
- ✽ مدیر گروه پژوهشگری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی
- ۱) آگوست کنت ۱۷۹۸-۱۸۵۷ اصطلاح «SOCIOLOGIE» را وضع نمود.
- ۲) امیل دورکیم ۱۸۵۷-۱۹۱۷ جامعه‌شناسی را به عنوان یک رشته علمی دانشگاهی در فرانسه پایه‌گذاری کرد.

این تفاوتها خدمات ارزنده دکتر صدیقی به جامعه شناسی در ایران را نمی توان آن طوری که باید ارزیابی نمود.

پیدایش و شکل گیری جامعه شناسی به مثابه یک رشته علمی محصول شرایط سرمایه داری (Giddens, 1971) و تلاش و همت صاحب نظران اواخر سده نوزدهم اروپاست (بن دیوید و همکاران، ترجمه موفقیان، ۱۳۴۷؛ آبراهامز، ترجمه کریمی، ۱۳۶۸). برخی از عناصر اصلی تشکیل دهنده خاستگاه جامعه شناسی در غرب را می توان به شرح زیر ذکر کرد:

الف - رنسانس یا نوزایش فکری - فرهنگی و رشد اثبات گرایی و تجربه گرایی بر محور انسان به عنوان دایره مدار هستی تغییر رابطه انسان با خود (سارتون، ترجمه آرام، ۱۳۳۹).

ب - انقلاب صنعتی و تحول معیشت مبتنی بر کشاورزی به معیشت مبتنی بر صنعت و خدمات، کار با دست به کار با ماشین، زندگی در روستا به زندگی در شهر و گذشته گرایی و قناعت و تسلیم در برابر مصائب به آینده نگری، توجه به مفهوم ترقی و اعتماد انسان و آگاهی به نقش تعیین کننده خود در رفع مسائل، و تعیین سرنوشت و تأمین رفاه و بهبود زندگی خویش از طریق ایجاد تغییرات مطلوب در محیط تغییر رابطه انسان با طبیعت (برنال، ترجمه پورپیرانفرد، ۱۳۵۴).

ج - وقوع جنبشها و انقلابهای اجتماعی و سیاسی، تحول از خاص گرایی توأم با تجانس اجتماعی، سلطه اجتماع بر سیاست و دیگر ابعاد حیات اجتماعی، و انحلال فرد در جمع به عام گرایی همراه با تخصص و تقسیم اجتماعی کار، تفکیک توأم با انسجام اجتماعی خود انگیخته و استقلال فردی و احترام به حیثیت او، تغییر نظام قشر بندی مبتنی بر معیارهای محول به نظام قشر بندی مبتنی بر معیارهای محقق، در بعد سیاسی تحول دیکتاتوری به دموکراسی بورژوایی و دولتهای محلی به دولتهای ملی، انفصال نیروی کار از ابزار و منابع تولید و رهایی توده های عظیم رعایا از وابستگی به زمین و تغییر کمی و کیفی مهاجرت های

درون - مرزی، بخصوص از روستا به شهر و برون - مرزی از کشوری به کشور دیگر تغییر رابطه انسان با انسان.

در این فرایند نظام فتودالیسم چندین صد ساله حاکم بر اروپا دچار فروپاشی و زوال گردید به جای آن نظام سرمایه‌داری رشد و توسعه یافت. مشکلات ناشی از این تحول نظیر تعارضات و نابسامانیهای اجتماعی و روانی و مسائل منبث از خود نظام سرمایه‌داری رایج در جوامع اروپایی از قبیل تداوم نابرابریها به صورتهای جدیدتر و افزایش میزان بیکاری، خودکشی و ... عنایت خاص صاحب‌نظران اجتماعی به مطالعه این گونه واقعه‌ها و مسائل اجتماعی، رویارویی و درگیری دولتهای بورژوازی متمایل به دموکراسی. با مسائل و مشکلات مزبور و تجربه آنها در استفاده از دست آوردهای علمی - تکنولوژیک در امر برنامه‌ریزی و دخالت آگاهانه در جریان امور، دولتها را به بهره‌گیری از علوم اجتماعی نیز علاقمند نمود.

در تحت چنین شرایطی بود که علوم اجتماعی و به ویژه جامعه‌شناسی اعتبار علمی و ارزش عملی قابل ملاحظه‌ای پیدا کرد. صاحب‌نظرانی چون امیل دورکیم در فرانسه و دیگران در سایر جوامع سرمایه‌داری فرصت مناسبی یافتند تا با برخورداری از کمکها و حمایتهای مادی و معنوی دولتها به امر آموزش و پژوهش جامعه‌شناختی و تنظیم مبانی بینشی و روشی آن روی آورند و آن را به عنوان یک رشته علمی نوین برای اولین بار به طور رسمی در سطح دانشگاهها نهادی گردانند. همکاری نزدیک برخی جامعه‌شناسان با دولت و به طور مشخص دورکیم، قبول نظم موجود و پذیرش انگارش و فاق و تعادل به مثابه مهمترین واقعیت زندگی اجتماعی و لزوم برقراری و حفظ آن در جامعه از طریق شناخت کارکرد اجزا در رابطه با کلیت نظم موجود، اصالت را به این کلیت دادن و عدول از آن یا ستیز با آن را نوعی انحراف یا آسیب اجتماعی تلقی کردن و راه حل را در لزوم و فاق افراد و هماهنگی اجزا با نظم موجود پنداشتن در مجموع به کار جامعه‌شناسی وی رنگ ارزشی خاصی (قبول و فاق و تعادل به مثابه مهمترین واقعیت زندگی اجتماعی و سعی در

توصیف و تبیین آن) بخشید که در واقع بنیاد مکتب جامعه شناسی کارکردگرایی (فونکسیونالیسم) یعنی مجموعه بینشها و روشهای جامعه شناختی رسمی و رایج در جوامع سرمایه‌داری کلاسیک را تشکیل می‌داد.

در برابر چنین دیدگاه رسمی نظم گرای مورد استقبال رژیم حاکم دیدگاههای دیگری توسط صاحب نظران مخالف رژیمهای سرمایه‌داری چون مارکس و همکارش انگلس به طور غیر رسمی رشد یافت. در این دیدگاه به جای وفاق و تعادل و حفظ نظم موجود بر عکس تضاد و تعارض و انقلاب یا تحول دیالکتیکی نظم موجود به عنوان مهمترین واقعیت زندگی اجتماعی تلقی می‌شد. بنابراین به جای همکاری و همراهی با دولت و رسمیت یافتن و نهادی شدن، این دیدگاه با گروههای اجتماعی و سازمانهای سیاسی مخالف دولت به طور غیر رسمی و گاه زیرمینی ارتباط یافت و با جنبشهای ضد سرمایه‌داری پیوند خورد و تحت نفوذ آنها قرار گرفت. به طوری که پس از پیروزی این جنبشها و تشکیل نظام سوسیالیسم در کشورهایی چون شوروی و چین مکتب مارکسیسم نیز در آن جوامع رسمی و نهادی گردید. فرایند پیدایش و رشد جامعه شناسی در جوامع به اصطلاح جهان سوم از جمله ایران با آنچه که در رابطه با جوامع سرمایه‌داری و سوسیالیستی ذکر شد متفاوت بوده است. علیرغم این تفاوتها همه جوامع در فرایند عام تکامل علوم و تکنولوژی سهیم بوده‌اند. علوم و تکنولوژی در هر گوشه‌ای از این کره زمین که بستر مساعدی پیدا می‌کرده، در آنجا تکامل می‌یافته است و چون آن شرایط مساعد از میان می‌رفته به جای دیگری منتقل می‌شده و در آنجا به دنباله حرکت تکاملی خود ادامه داده است. علوم و تکنولوژی گاه در جوامع بین‌النهرین، زمانی در یونان، مدتی در عصر تمدن و فرهنگ اسلامی در ایران و دیگر کشورهای همجوار و بالاخره دیرگاهی است که در جوامع غربی زمینه تکاملی یافته است (برنال، ترجمه پورپیرانفر، ۱۳۵۴).

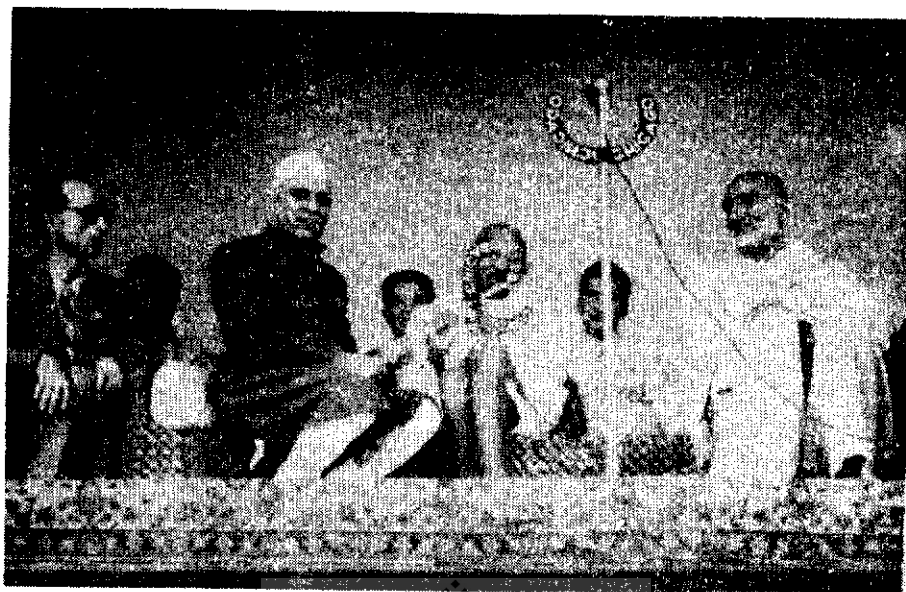
تکامل علوم اجتماعی و در راس آن جامعه شناسی هم نه تنها از این قاعده مستثنی نبوده است بلکه با توجه به ویژگیهایش در مقایسه با علوم طبیعی علاوه بر لزوم وجود شرایط

عامی که تحت عنوان خاستگاه علوم در غرب مورد اشاره قرار گرفت شرایط خاص دیگری هم می‌طلبد. از جمله این شرایط خاص، آزادی انسانها در بیان عقاید و نظریه‌های خود در باره خویشتن و جامعه‌ایست که این افراد درون آن با همدیگر زندگی می‌کنند. هیچگاه دولتها در برابر علوم اجتماعی که موضوع آن انسان و جامعه و هدفش توصیف چگونگی آنها و تبیین چرایی یا قانونمندیهای حاکم بر پیدایش و بقا و تحول و زوال آنهاست به همان اندازه ساده نگذشته‌اند که در برابر علوم طبیعی گذشته‌اند. به همین لحاظ است که در جوامع غربی علیرغم وقوع رنسانس در سده‌های شانزدهم و هفدهم و متعاقب آن پیشرفت علوم طبیعی و تکنولوژی و انقلاب صنعتی در اواسط سده هجدهم، علوم اجتماعی و بخصوص جامعه‌شناسی به معنای اخص کلمه در اواخر سده نوزدهم و اوایل سده بیستم به صورت یک رشته علمی نهادی می‌شود. آن هم در قالب مکتبی که نظم موجود را می‌پذیرد. علوم طبیعی و اجتماعی برخاسته از جوامع سرمایه‌داری غرب همزمان با گسترش و ژرفش ارتباطات بین‌المللی و بخصوص نفوذ سرمایه‌داری در عرصه جهانی تقریباً در بین همه جوامع امروزی با کم و کیف متفاوت انتشار یافته است.

در ایران و دیگر کشورهای جهان سوم نیز فرایند رشد و توسعه علوم اجتماعی، همانند جوامع غربی باز مؤخر بر رشد و توسعه علوم طبیعی بوده است. این لنگش یا پس افتادگی به مناسبت فقدان شرایط خاصی که توسعه علوم اجتماعی و بخصوص جامعه‌شناسی اقتضا می‌کند هنوز هم ادامه دارد. به قول استاد فقید دکتر غلامحسین صدیقی در زمان ورودش به دانشگاه تهران (حدود سالهای ۱۳۱۷) علوم اجتماعی در ایران محدود به تدریس یک یا دو درس یا چند ساعت در هفته می‌شد که آن هم البته با همت خود استاد عملی گردیده بود. اینکه چگونه علوم اجتماعی و در این مورد خاص جامعه‌شناسی در زمان بازنشستگی استاد مشتمل بر چندین دانشکده و مؤسسه تحقیقاتی و دهها عضو هئیت علمی و چندین هزار دانشجو می‌شود فرایند پریچ و خم و داستان پرماجرایی است که هدایتگر اصلی و قهرمان عمده آن استاد دکتر صدیقی بوده است.

او در سال ۱۲۸۴ در تهران تولد یافت. تحصیلات ابتدایی و متوسطه خود را در زادگاهش تهران در مدرسه دارالفنون به اتمام رساند. در سال ۱۳۰۷ به کشور فرانسه عزیمت کرد. در سال ۱۳۱۷ به اخذ درجه دکترا در رشته جامعه شناسی نائل گردید و در همین سال به ایران بازگشت و در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران به امر آموزش و پژوهش جامعه شناسی اشتغال یافت.

در آن زمان ضعف مبانی علمی - تکنولوژیک، وجود جوامع عشایری - روستائی و شهری و تنوع نظامهای اجتماعی مبتنی بر انسجام مکانیکی، سلطه اجتماع و نظام کنترل استبدادی ضد دموکراتیک، نظام مشروعیت سازی خاص گرای ضد عام گرایی غیر سنتی با نهادهای فرهنگی و طرز فکرهای سنتی و دیرپای گذشته زمینه ساز شرایط تاریخی خاصی بوده که مانع تحقق همبستگیهای ملی و اجتماعی و استقرار نظم اجتماعی مناسب در ایران می شده اند. این شرایط تاریخی خاص در ارتباط با موقعیت جغرافیائی و استراتژیک کشور ایران و برخورداری این سرزمین از منابع نفتی و غیر نفتی فراوان برانگیزاننده و تسهیل کننده سلطه بیگانگان و نفوذ عوامل استعماری و نواستعماری گردیده اند که توسعه ایران را در هر یک از ابعاد اقتصادی - سیاسی و فرهنگی تقریباً ناممکن ساخته بودند. (کوزتسوا ۱۳۵۸، اشرف ۱۳۵۸، ترابی ۱۳۵۷) استاد دکتر صدیقی در تحت چنین شرایطی است که برای توسعه اجتماعی و بخصوص جامعه شناسی در ایران کمر همت برمی بندد. او هر چند بسان صاحب نظران جامعه شناسی غربی با مشکل تولید علوم روبرو نبوده و مبانی آن را از غرب فرا گرفته بود ولی بر خلاف آنان با شرایط اجتماعی بسیار نامساعدی مواجه بود. بنابراین او نیز نظیر هر روشنفکر متعهد دیگری نمی توانسته است در برابر آن شرایط علی السویه باشد. لذا به عنوان یکی از اعضای فعال جبهه ملی به رهبری دکتر محمد مصدق وارد مبارزات سیاسی گردید و هر چند در این جهت به اهداف خویش دست نیافت ولی از راه خود عدول نکرد و از منتقدان پایدار آن رژیم سابق باقی ماند. استاد دکتر صدیقی علی رغم آن همه شرایط نامساعد و فشارهای نامطلوب سیاسی، در عرصه علمی به کسب



تصویر شادروان دکتر صدیقی در سمت رئیس هیئت نمایندگی ایران در هند در کنار
نهر و گاندی (اسفند ۱۳۲۵)

دکتر صدیقی از خرداد ۱۳۲۵ عضو هیئت مدیره انجمن روابط فرهنگی ایران و هند و عضو
هیئت سیاسی - اقتصادی - فرهنگی ایران در کنفرانس ملتهای آسیایی بود. برای اطلاع بیشتر به مجله
فرهنگ - شماره تابستان ۱۳۷۰، کتاب نهم از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی مراجعه
فرمایید.



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

موفقیت بزرگی نائل آمد. او به علوم اجتماعی علی‌الخصوص رشته جامعه‌شناسی در ایران خدمات ارزنده‌ای ارائه نموده است که می‌توان به پاره‌ای از آنها به شرح زیر اشاره نمود:

۱- وضع اصطلاح «جامعه‌شناسی» در ایران

استاد صدیقی پس از ورود به دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۷ در برابر واژه "SOCIOLOGY" که تا آن زمان علم الاجتماع خوانده می‌شد اصطلاح جامعه‌شناسی را که خود وضع کرده بود قرار داد. علاوه بر این، استاد برای برخی دیگر از مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی اصطلاحات فارسی مناسبی وضع کرده است که امروزه کاملاً شناخته شده و متداولند. نمونه آنها اصطلاح نهاد در برابر واژه "INSTITUTION" است.

۲- نهادی کردن رشته جامعه‌شناسی و توسعه آن در ایران

استاد دکتر صدیقی صرف‌نظر از تدریس و تحقیق نسبت به نهادی کردن رشته جامعه‌شناسی در ایران اشتغال فکری و عملی مداومی داشت. به طوری که در سال ۱۳۴۰ به تأسیس اولین دپارتمان علوم اجتماعی در ایران موفق گردید. پیش از آن نیز در سال ۱۳۳۵ به تأسیس مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی وابسته به دانشگاه تهران اقدام کرده بود که اولین دوره فوق لیسانس علوم اجتماعی در ایران در همین مؤسسه دایر گردید. عملکرد بسیار جالب دپارتمان علوم اجتماعی در ارائه دروس جامعه‌شناسی که مرهون مدیریت خود استاد بود و اقبال روز افزون دانشجویان به انتخاب رشته علوم اجتماعی و ورود به این دپارتمان موجبات تبدیل آن رابه یک دانشکده فراهم آورد که رشته جامعه‌شناسی محور اصلی آن را تشکیل می‌داد.

تأسیس دپارتمان‌های جامعه‌شناسی در اغلب دانشگاه‌های عمده ایران چون دانشگاه ملی سابق (شهید بهشتی امروز)، شیراز، تبریز، اصفهان، مشهد... و تشکیل مؤسسات و مراکز مطالعاتی و تحقیقاتی وابسته به آنها زمینه نهادی شدن آموزش و پژوهش جامعه‌شناسی در ایران را بطور قابل ملاحظه‌ای فراهم ساخت. به طوری که در زمان بازنشستگی

استاد در سال ۱۳۵۲ و یا دو سه سال پس از آن بیش از ۱۰۰ نفر عضو هیئت علمی و پژوهشی در بیش از ۱۵۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در ایران به امر پژوهش یا آموزش درس یا دروسی از جامعه شناسی اشتغال داشتند و بیش از چند هزار دانشجو نیز در رشته‌های علوم اجتماعی در دوره‌های لیسانس و فوق لیسانس مشغول به تحصیل بودند (مرکز آمار ایران، ۱۳۵۵) و این به قول خود استاد هنوز ابتدای کار بود:

باش تا صبح دولتت بدمد
که این هنوز از نتایج سحر است
(صدیقی، ۱۳۵۳: ۵)

۳- پژوهش جامعه شناسی و انتشار آثار

هر چند همه نتایج تحقیقات علمی استاد هنوز منتشر نشده است ولی نمونه‌هایی از کارهای انتشار یافته او چون مقدمه بر کتاب اصول حکومت آتن (ارسطو - ترجمه باستانی پاریزی ۱۳۴۳)، قضاضة طبیعیات ابن سینا ۱۳۳۲، جزوات درسی او در زمینه‌های تفکرات اجتماعی، اجتماعیات در ادبیات و بخصوص جامعه شناسی تاریخی ایران که رساله دکترایش تحت عنوان جنبشهای دینی در قرنهای دوم و سوم هجری^(۱) نمونه گویای آن است، معرف احاطه او به مباحث جامعه شناسی و عشق و علاقه او به جامعه شناسی ایران بخصوص در زمینه‌های تاریخی و جنبشهای اجتماعی بوده است. علاوه بر اینها استاد دارای آثار منتشر شده تحقیقی، تألیفی و ترجمه شده متعددی است که لیست آنها در پایان این مقاله ذکر شده است.

۴- آموزش جامعه شناسی و تربیت دانشجو

استاد دکتر صدیقی در طول ۳۵ سال اشتغال خود در دانشگاه درس یا دروسی را در سطوح لیسانس، فوق لیسانس و دکترا با رغبت تدریس می‌کرده است. او لحظه‌ای از تربیت دانشجویان غافل نماند. به طوری که کمتر کسی از استادان و پژوهشگران جامعه -

(۱) این رساله در سال ۱۹۳۸ در پاریس به چاپ رسیده است.

شناسی امروزی ایران را می‌توان نام برد که به نحوی از انحا مستقیم یا غیر مستقیم از فیض کلام او در کلاسهای درس بهره‌مند نشده باشد. این سرمایه عظیم امروز کمبود آثار جامعه شناختی انتشار یافته از سوی آن استاد را جبران کرده است.

۵- تلفیق علم و اخلاق به عنوان خمیر مایه مکتب جامعه شناسی که او در ایران بنیانگذاری کرده است.

برای استاد «علم و اخلاق دو خمیر مایه قدرت و سرافرازی‌اند و آنکه این دو را دارد به حقیقت همه چیز را داراست» (صدیقی، ۱۳۵۳). او مبانی مکتب جامعه شناسی مورد توجه خویش را در سال ۱۳۵۲ در بخشی از سخنرانی خود در محلی که به مناسبت بزرگداشت خود او به عنوان استاد ممتاز در دانشگاه تهران برگزار گردید، به شرح زیر بیان کرده است:

«تصمیم اعضای شوراهای محترم در آغاز چهلین سال تأسیس دانشگاه با بضاعت مزاجه من در علم، با علم و عنایت به سی و پنج سال کار دانشگاهی من و دانش دوستی به نیت قرب نه قصد شهرت و سوداگری و تواضع راستین نسبت به دانشوران و احترام عمیق به مفاخر و مآثر ایران و تکریم عظمت و ارزش مقام انسانی در جهان هستی و اعتقاد استوار به دانش، خاصه به روح علمی و برکناری از تعصب که پیوسته آن را استغفای از تعقل شمرده‌ام و گرامی داشتن شخصیت دانشجویان که فروغ دیده استادان و امید مایه آینده ایرانند بوده است»

(صدیقی، ۱۳۵۳: ۴).

استاد دکتر صدیقی خود مصداق گفتارش بوده است. او خود را همیشه دانشجوی علوم اجتماعی می‌دانسته و بدین عنوان مفتخر و مباهی بوده و عمر خود را در همین راه سپری کرد. در بعد اخلاقی او انسانی صدیق و مخلص و در پای بندی به اصول مورد اعتقاد خویش سخت پایدار و استوار بود. او هیچگاه از آن اصول عدول نکرد و در این مورد نه به دوستان خود خیانت کرد و نه با دشمنانش سازش نمود.

امروز ما در آستانہ چہلمین روز درگذشت این استاد بزرگوار در دانشکدہ علوم اجتماعی یعنی در محیطی گرد آمدہ ایم کہ او سی و پنج سال از عمر گرانمایہ خود را وقف توسعہ آن در ایران نمود. سنت قدردانی از دست اندرکاران و دلہباختگان ہلم جزئی از فرایند تکامل علمی است. بنابراین محدود بہ مدح و ستایش نیست بلکہ فرصتی است برای خودیابی از طریق بازنگری راہ و روشہای گذشتہ، راہی کہ پیمودہ شدہ است و ارزیابی عملکردها بہ منظور شناخت نقاط ضعف و قوتی کہ تاکنون داشتہ ایم.

شاید بتوان گفت کہ در جامعہ ما این سنت آن طوری کہ باید رعایت نشدہ است. چہ در غیر این صورت دانشکدہای علوم اجتماعی و دہانتانہای جامعہ شناسی در طول دو دہہ پس از بازنشستگی استاد تا وفاتش از فیض حضور او خود را محروم نمی کردند و جامعہ علمی - دانشگاهی ما چنین سادہ از کنار مرگ استادی بزرگ نمی گذشت.

اگر بنابر اصل فوق و بہ زبان استاد دکتر صدیقی تاریخ را درس تجربیت اندوزی و عبرت آموزی بدانیم و با دیدی علمی - انتقادی عملکرد جامعہ شناسی در ایران را مورد ارزشیابی قرار دہیم صرف نظر از نقاط قوت قابل توجہی کہ در عرصہ نہادی کردن این علم از طریق تأسیس گروہہای آموزشی و مؤسسات پژوهشی جامعہ شناختی و فراہم آوردن امکانات لازم برای تربیت دانشجو و انجام پارہ ای از تحقیقات علمی و تألیف و ترجمہ آثار داشتہ ایم کہ این امر در گذشتہ بہ مقدار وسیعی مرہون خدمات خود آن استاد بودہ است، در عین حال دچار ضعف و نارسایی ہای عدیدہ ای ہم بودہ ایم کہ می توان برخی از آنہا را بہ شرح زیر مورد اشارہ قرار داد:

۱- ضعف مبانی آکادمیک طبقہ بندی رشتہ ہا و شاخہ های علوم اجتماعی کہ متأسفانہ پس از انقلاب اسلامی نمود بیشتری یافتہ است. این امر منشاء مسائل و مشکلات نظری و عملی فراوانی برای اعضای ہیئت علمی و دانشجویان علوم اجتماعی بہ ویژہ جامعہ شناسی شدہ است.

۲- ضعف ارتباط مستقیم جامعہ شناسی با جامعہ مدنی کہ بہ تقویت رابطہ آن با دولت

به عنوان متولی جامعه مدنی منجر گردیده است، در نتیجه تغییر و تحول علوم اجتماعی در ایران بیش از آنکه برخاسته از متن جامعه مدنی و واقعیتهای زندگی امروزی ایران و جهان باشد معلول شرایط سیاسی - ایدئولوژیک رسمی حاکم بر جامعه ایران بوده است.

۳- ضعف مبانی بینشی و روشی کارهایی که در ایران تحت عنوان آثار جامعه شناسی انتشار یافته‌اند. در اغلب این آثار از بینشها و روشهای امروزی جامعه شناختی کمتر استفاده شده است. بیشتر به کلی گویی و تحمیل قالبهای فکری فونکسیونالیستی یا مارکسیستی گذشته بر جامعه ایران پرداخته‌اند، بدون اینکه خود به طرح مساله پردازند و منابع ما قبل خود را بررسی و نقد نمایند و فرضیه‌های منتج از چارچوب نظری جامع خویش را با روشی مناسب بیازمایند. به همین جهت در جامعه شناسی امروز ایران هنوز بسیاری از مسائل جامعه شناسی کلاسیک نظیر دوگانه بینی‌های دکارتی یعنی ایجاد جدایی یا تقابل بین جمع و فرد، عینیت و ذهنیت، تجربه و تعقل، کمیت و کیفیت، علم و اخلاق، وفاق و تعارض و غیره مشهود است. درگیری و اشتغال فکری با این گونه مسائل در بازداشتن جامعه شناسی از تولید علم و پرداختن به مسائل اساسی جامعه ایران بی تأثیر نبوده است. در حالیکه این مسائل چه از لحاظ بینشی و چه از نظر روشی در جامعه شناسی انتقادی امروزی در حال رشد و توسعه در جهان نه تنها به طور نظری و عملی حل گردیده‌اند، بلکه حتی مدتهاست که به فراموشی هم سپرده شده‌اند.

۴- ضعف ارتباطات علمی اعضا و واحدهای آموزشی و پژوهشی علوم اجتماعی در ایران از یک سو و بین علوم اجتماعی در ایران و علوم اجتماعی در خارج از ایران از سوی دیگر که موجبات عدم برخورد صحیح آراء و عدم تحمل علمی و تأخر فکری استادان و دانشجویان را نسبت به پیشرفتهای علوم اجتماعی در جهان فراهم آورده است. این امر برای رشته علمی نرینی چون جامعه شناسی که ماهیتی انتقادی دارد و رهروان آن اعم از استاد و دانشجو باید اساسی‌ترین و عمده‌ترین مسائل جهان را با بینشها و روشهای روز آمد مورد مطالعه و تحلیل علمی قرار دهند قابل توجیه نیست. (میلز،

ترجمہ انصاری، ۱۳۶۰، گولڈنر، ترجمہ ممتاز، ۱۳۶۸). ہر چند امروز ہمراہ با جنبشہای اجتماعی نوینی کہ علیہ نظامہای سرمایہ داری و سوسیالیستی پدید آمدہ آند، جنبشہای فکری و دیدگاہہای نوینی در جامعہ شناسی رشد و توسعہ یافتہ اند کہ منتقد نظامہای اجتماعی موجود و دیدگاہہای رسمی و رایج در آنها هستند. (Held 1980, Boudon 1983, Wardell 1986) ولی دستیابی بہ این دیدگاہا جز در شرایط اجتماعی و جو سیاسی مساعد، آن ہم از طریق شناخت و نقد علمی دیدگاہہای گذشتہ عملی نبودہ است. بنابراین دستیابی بہ بینشہا و روشہای نوین و تولید شناخت علمی مستلزم بررسی و نقد کارہای گذشتگان است و در این راہ شناخت نقاط قوت و ضعف، برجستہ کردن نقاط قوت و تبری از نقاط ضعف باید مورد توجہ و تأکید قرار گیرد. سنت قدردانی از عالمان نیز جزیی از این قاعدہ اصلی است. نسل جدید باید از اشتباہات نسل قدیم پیرہیزد، از تجارب نسل گذشتہ بہرہ گیرد، آن را چراغ راہ آیندہ خود سازد و در پرتو آن خود نیز چیزی بدان بیفزاید و بہ دست آیندگان بسپارد.

بنابراین امروز باید اصولی را کہ استاد دکتر صدیقی در جہت خدمت بہ نہادی کردن علوم اجتماعی در ایران، اشتغال مداوم و دلسوزانہ بہ امر آموزش و تربیت دانشجو، عشق و علاقہ بہ پژوهش در بارہ جامعہ ایران، تلفیق علم و اخلاق یعنی شناخت حقایق علمی و تعہد در ترویج و کاربرد آنها و ... پی ریزی کردہ است با توجہ بہ شرایط نوین ملی و بین المللی از طریق تبادل فکری با ہمدیگر غنای بیشتری بخشیم. این سنتی است کہ استاد دکتر صدیقی آن را نیکو داشتہ است و خود نیز بدان عمل کردہ است. اگر امروز ما با گذشتگان خود چنین کنیم فردا آیندگان نیز با ما چنین خواهند کرد و این راہ و رسمی عادی و جاری در فرایند تکامل علمی است، راہی کہ شمع وجود استاد تا آخرین لحظہ عمرش روشنی بخش آن بود. و ما پویندگان امروزی این راہ در آستانہ چہلمین روز درگذشت استاد بزرگوار خود در این دانشکدہ گرد آمدہ ایم تا بہ روان پاکش درود فرستیم، زحمات بی شائبہ اش را در بنیانگذاری و نہادی کردن علوم اجتماعی و جامعہ شناسی در ایران

سپاس گوئیم، خدمات ارزنده‌اش را در جهت رشد و توسعه این رشته علمی نوین ارج نهیم و آمادگی خویش را برای ایفای وظایف خود در جهت رفع نارسائیها، مقابله با مسائل جاری و رشد و توسعه هر چه بیشتر این رشته علمی نوین در ایران اعلام نمائیم.



مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

فہرست آثار چاپ شدہ استاد دکتر صدیقی (بہ ترتیب زمان انتشار)

- ۱- « جنبشہای دینی در قرنہای دوم و سوم ہجری » چاپ پاریس ۱۳۱۷ (۱۹۳۸)
رسالہ دکتری
- ۲- مازیار و علی بن ابن طبری - مجلہ یادگار - سال اول - شمارہ ۶ - صفحات ۸۰ - ۷۸
سال ۱۳۲۴
- ۳- جرعہ فشانی بر خاک - مجلہ یادگار - سال اول - شمارہ ۸ - صفحات ۵۱ - ۴۷
سال ۱۳۲۴
- ۴- گزارش سفر ہند (رسالہ مستقل از انتشارات دانشگاه تہران حاوی اطلاعات تازہ ای
از نسخ خطی در کشور ہندوستان و مسائل فرهنگی مشترک) ۱۳۲۶
- ۵- مکارم الاخلاق و رضی الدین نیشابوری - نشریہ دانشکدہ ادبیات و علوم انسانی تبریز
سال سوم - شمارہ ۵ و ۶ - صفحات ۹۶ - ۹۴ - سال ۱۳۲۹
- ۶- ظفر نامہ منسوب بہ ابن سینا ۱۳۳۰
- ۷- معراج نامہ منسوب بہ ابن سینا ۱۳۳۰
- ۸- یک قصیدہ فلسفی فارسی از ابوالہشیم - مجلہ یغما - سال ۴ - صفحات ۱۷۹ - ۱۷۶ -
سال ۱۳۳۰
- ۹- قراضۃ طبیعیات تألیف ابن سینا ۱۳۳۲
- ۱۰- حکیم نسوی - مجلہ دانشکدہ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تہران - سال ششم -
شمارہ اول - صفحات ۲۸ - ۱۲ - سال ۱۳۳۷
- ۱۱- مقدمہ بر اصول حکومت آتن از ارسطو - ترجمہ دکتر محمد ابراہیم باستانی
پاریزی - ۱۳۴۳
- ۱۲- بعضی از کهن ترین آثار نثر فارسی تا پایان قرن چہارم ہجری - مجلہ دانشکدہ

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران - سال سیزدهم - شماره چهارم - صفحات

۱۲۶ - ۵۶ - سال ۱۳۴۴

۱۳- ده رساله تبلیغاتی دیگر از صدر مشروطیت - مجله راهنمای کتاب - سال سیزدهم

صفحات ۲۴ - ۱۷ - سال ۱۳۴۹

۱۴- ترتیب و تحریر مواد حرفهای «ث» به تمامی و بخش اعظم حرف «پ» از لغتنامه

دهخدا

۱۵- ترجمه منشور یونسکو

۱۶- متن عربی رساله سرگذشت بوعلی سینا

۱۷- خردنامه

۱۸- ترجمه فارسی شرح و احوال، آثار و آراء جمعی از فیلسوفان و متفکران اجتماعی

در دائره المعارف فارسی

کارهای در دست اقدام: کاپیتور علوم اسلامی

□ ترجمه کامل جنبشهای دینی ایرانیان در قرون دوم و سوم هجری با مقدمه‌ای

گسترده‌تر به زبان فارسی

□ عمده تألیفات و تحقیقات ایشان در زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و فلسفی به صورت

فیش و یادداشت بر جای مانده است.

فہرست منابع و مآخذ

- آبراہامزہ، جی، اج
* خاستگاہای جامعہ شناسی، ترجمہ احمد کریمی، تہران، انتشارات پایروس
- اشرف، احمد
* موانع تاریخی رشد سرمایہ داری در ایران، دورہ قاجار، تہران، ۱۳۵۸
- برنال، جان
* علم در تاریخ (سہ جلد) ترجمہ اسد پوریانفرد، تہران، امیرکبیر، ۱۳۵۴
- بن دیوید، جوزف، و دیگران
* تحول دانشگاهها در اروپا و امریکا ترجمہ ناصر موقیان، تہران، انتشارات مؤسسہ مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۷
- ترابی، علی اکبر
* جامعہ شناسی در ایران امروز، تبریز، انتشارات احیاء، ۱۳۵۷
- سارتون، جرج
* شش بال رنسانس، ترجمہ احمد آرام، تہران، شرکت انتشار، ۱۳۳۹
- صدیقی، غلامحسین
* « متن سخنرانی بمناسبت بزرگداشت بنیانگذار جامعہ شناسی در ایران » نامہ علوم

اجتماعی دوره ۱ شماره ۴ تیر ماه ۱۳۵۳

گوزتسوا، ن

* پیرامون تاریخ نوین ایران: اوضاع سیاسی و اقتصادی - اجتماعی ایران در پایان سده ۱۸ تا نیمه سده ۱۹ میلادی، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، نشر بین الملل، ۱۳۵۸

گولدنر، آلون

* بحران جامعه شناسی غرب، ترجمه فریده ممتاز، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۸

میلز، سی، رایت

* بینش جامعه شناختی - نقدی بر جامعه شناسی آمریکایی - ترجمه انصاری، تهران شرکت سهامی انتشار ۱۳۶۰
مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی